

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

جذابیت نیازهای معاصرو پیامدهای مدرنیته و سنت در جامعه ما چگونگی شکل‌گیری حاکمیت سیاسی بر بنیاد ارزش‌های اجتماعی نبود خرد و تعقل سیاسی به یقین که فاجعه ببار خواهد آورد

باورهای غلط عمومی در مورد تروریسم و "القاعده"
سازگاری اجتماعی و هنجارهای مورد نظر
تفسیر شرعیت در چارچوب قومیت
مبانی حقوقی حکومتداری

جوامعی که در گذشته وجود داشته، جوامعی بودند سنتی. جوامعی که در شرایط معاصر وجود دارند، دودسته می‌باشند: مدرن و درحال گذار. جوامع درحال گذار جوامعی هستند که بخشی از آنها مدرن و بخشی هم سنتی هستند. این جوامع بمرور با مدرنیزاسیون بسوی مدرنیته پیش می‌روند و معمولاً با بحران و بویژه با بحران هویت دست و گریبان می‌باشند. انسان سنتی هیچگاه نمی‌پرسد که سنت چیست؟ موقعی که از سنت عبور می‌کنیم، وارد دوران مدرن می‌شویم، سؤال می‌کنیم که سنت چیست؟ همینطور اینکه امروز می‌پرسند مدرنیته چیست، بمفهوم و معنای دوری از مدرنیته و زیرسؤال بردن مدرنیته است و باین موقعیت پست‌مدرن گفته می‌شود. چیزی که گوهر مدرنیته را تشکیل می‌دهد، یک نوع خاصی از عقلانیت نامیده می‌شود که بآن عقلانیت انتقادی می‌گویند. البته دوران سنت هم مبتنی بر عقلانیت است، ولی عقلانیت آن دوتفاوت گوهری بایکدیگر دارد. حداکثر کاری که از عقلانیت سنتی برمی‌آید، عقل تفسیری است. فیلسوفانی که در دوران سنت بودند، حداکثر با عقل خودشان جهان را تفسیر می‌کردند، اما در دوران مدرن، صحبت بر سر تغییر است و این عقل "خودبنیاد" می‌خواهد درک نظام عالم تغییر ایجاد کند. انسان سنتی به زندگی در آن دوران قانع بود و نظام عالم را عادلانه می‌پنداشت. اما انسان مدرن می‌خواهد هم عالم و هم اجتماع را بمفهوم وسیع آن تغییر دهد.

با در نظر داشت وضعیت عمومی، برخی از سازمان‌های بین‌المللی، شکل‌گیری بحران انسانی در کشور ما را پیشبینی می‌نمایند. بر بنیاد پیشبینی‌ها و حدس و گمان‌های اینچنینی، بحران یادشده، عواقب نهایت مخرب بدنبال داشته که از همین حالا به‌هدف بلعیدن شهروندان بیدفاع کشور ما دهان باز نموده است. با وجود اینهمه اگر نهایت دقت در مورد یادشده بعمل آید، این واقعیت بیش از هر زمان دیگر، واضح و مبرهن می‌گردد که وضعیت مواد غذایی در افغانستان همچنان متشنج و بحرانی می‌باشد. وسعت و گسترش معضلات اجتماعی - اقتصادی در کشور، بگونه‌ای در موضعگیری و موقف سیاسی "طالب"‌ها اثرات منفی بجا گذاشته و راه را برای طرح و عملی نمودن برنامه‌های رادیکال و بنیادگرایانه بیش از پیش مساعد و مهیا مینماید. اما بایست متذکر گردید که نتایج تلاشها بمنظور "مجازات" طالب‌ها با احتمال اغلب اگر فقط باین دلیل که تضعیف عملگرا یان در رهبری جنبش یادشده اجتناب ناپذیر پنداشته می‌شود، بویژه اگر شرایط و وضعیت مانند آنچه ایالات متحده در قبال ایران اعمال نمود، در مورد کشور ما نیز عملی گردد، در چنین وضعیتی، سناریوهای خوشبینانه برای کشور ما، امکان ناپذیر بنظر می‌رسد. باین مفهوم، اگر بیشتر از این هم بوضع تعزیرات گسترده تری علیه "طالب"‌ها مبادرت ورزیده شود، که در گام نخست، طرح کمک ۴۶۰ میلیون دالری برای کشور ما را متوقف

و صندوق بین المللی پول نیز قسط بعدی برداشت ویژه برای سالروان را منجمد نمود. همچنان توسط بانک بین المللی بازسازی و توسعه، تطبیق عملی و اجرای برنامه ها در کشورما که درامتداد دودهة پسون به مبلغ مجموعی ۵,۵ میلیارد دالر بالغ می گردید، نیز جابجا توقف داده شد. چشم انداز اقدامات و فشارهای جدید اقتصادی ایالات متحده در کشورما، بخودی خود، جزچین، به یقین که بر سایر بازیکنان، اثر بازدارنده ای بجا خواهد گذاشت.

از جانب دیگر، فراز آمدن "طالب"ها بقدرت، اصلن نمی تواند بمثابه اساس و بنیادی بمنظور رفع تحریم های سازمان ملل در قبال "طالب"ها تلقی گردد. مثل اینکه، امیدوارکننده ترین گزینه - کار مشترک اعضای شورای امنیت سازمان ملل در مورد مشخص نمودن نوع و کمیت اقدامات علیه "طالب"ها که بگونه مقایسوی بمثابه تابع در نظر گرفته می شود، از اهمیت منحصر بفردی برخوردار است. اگر درامتداد سال ۲۰۰۱ روسیه و ایالات متحده با قطعنامه نمبر ۲۵۸۵ شورای امنیت سازمان ملل در مورد تمدید میکانیزم فرامرزی ارسال کمک های بشردوستانه به سوریه موفقیت بعمل آوردند، بنابراین، هیچ دلیلی وجود ندارد تا باور نمود که مسکو و واشنگتن (و همچنین پکن) نتوانند در مورد فهرستی از استثنائات تحریم های سازمان ملل به توافق نایل گردند. در مورد منابع و ذخایر دست نخورده کشور بایست علاوه نمود که در صورت تأمین ثبات اجتماعی - سیاسی و مساعد گردیدن وضعیت عمومی و استفاده بهینه از آنهمه سرمایه های موجود در کشور، پویایی مثبت انکشاف اقتصادی افغانستان میسر خواهد گردید. همچنان، از موقعیت جغرافیایی کشورمی توان بمثابه پل ارتباطی آسیای مرکزی و جنوبی نیز استفاده اعظمی بعمل آورد. تاکنون هم، در نقشه ادغام اورآسیا، افغانستان بمثابه مهمترین نقطه وصل کشورهای منطقه پنداشته می شود. اما، این بدان مفهوم تلقی می گردد که امکانات و زمینه ها بمنظور همکاری های قاره بی درنوع خود، محدود می باشد.

کشور عزیزما افغانستان در شرایط منحصر بفردی می تواند بعامل تعیین کننده ای در رقابت های تاریخی میان دو برنامه جایگزین به منظور اتحاد اورآسیا - "هند - اقیانوس آرام" (مفهومی که توسط هند و جاپان ابداع و از جانب ایالات متحده ترویج گردیده است)، مبدل گردد. بهرحال، افغانستان یگانه کشوری خواهد بود که تا کنون از منابع و امکانات موجود، استفاده بهینه بعمل نیآورده است. کشورهای همجوار و نزدیک بافغانستان، در دورنمای قابل پیشبینی، قبل از همه و بیش از دیگران به ذخایر و امکانات موجود در اراضی متعلق بکشورما علاقمندی دارند.

بخاطر باید داشت ک اقتصادهای روبرشد آسیایی، در واقعیت امر، تقاضا برای مواد خام و استفاده از منابع انرژی افغانستان را برای دهه های آینده تضمین می نماید. پیشبینی اجرای برنامه های انرژی فرامرزی در مقیاس وسیعتر در مرکز اورآسیا، از جمله استفاده از امکانات قابل توجه انرژی آبی و همچنان بکارگیری منابع انرژی قابل تجدید کشورما نیز امکان پذیر می باشد.

همچنان پیشبینی می گردد که در آینده های نزدیک کشورما قادر خواهد گردید تا به بزرگترین صادرکننده انواع محصولات زراعتی به کشورهای جنوب و شرق آسیا مبدل گردد. مشارکت کشور عزیزما افغانستان، با طرح های ایجاد دهلیزهای ترانسپورتی اورآسیا، بویژه درامتداد محورهای شرق - غرب و شمال - جنوب، بانگیزه جدیدی در مورد مبدل خواهد گردید. بگونه نمونه، چین در زمان دولت قبلی در کشورما، در مورد بر نامه های متعدد بمنظور توسعه زیرساخت های حمل و نقل از قبیل دهلیز واخان، اعمار یک نوار پاریک زمینی درامتداد دره های متصل برودخانه های پنج، پامیرو واخان بمنظور اتصال مسیرهای انتقالی مورد نظر از مسیر کشورهای چین، تاجیکستان، افغانستان و پاکستان، بگونه نهایت محتاطانه وارد عمل گردید. اما پکن از جمله، قبل از تشدید عملکردهای سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده بویژه درامتداد مرزهای غربی متعلق بخودش بیمناک بود و اما اکنون از وضعیت یادشده هراس چندانی ندارد. تثبیت وضعیت در کشورما، به کریدور واخان این امکان را میسر می نماید تا موقعیتش را بمثابه یک رابط طبیعی میان چین و آسیای غربی بازگرداند.

اگر از نقطه نظرو زاویه دید هندی ها به قضایای کشورما نگاه شود، این واقعیت بیش از هر موقع دیگر بر ملامت می گردد که حل و فصل "قضایای افغانستان" می تواند بمثابه فرصتی بمنظور ایجاد انگیزه جدید در مناسبات و روابط هند و پاکستان مبدل شده و از جانب دیگر مناسبات میان هند و چین را نیز تحرک بیشتری ببخشد. کشور هند در امتداد زمان نسبتن طولانی از ایجاد مناسبات و روابط فعال با "طالب"ها اجتناب ورزید. چه،

"طالب"ها را بمثابة ایزاری در دست پاکستان می پنداشت. اما در اسلام آباد، غالبین پیروزی "طالب"ها در منشور روابط و مناسبات دوجانبه هند و پاکستان بمثابة شکست برنامه های ادعایی دهلی بمنظور گشودن "جبهه دوم" علیه پاکستان بویژه درمرزهای شمالی آن کشور تلقی می گردد.

در امتداد زمانی ۲۰ سال پسین، هند بگونه قابل توجهی حضور اقتصادی، سیاسی و بشردوستانه اش را در کشورما وسعت بخشید. اما اینهمه ازجانب اسلام آباد بمثابة تلاشهای هند بمنظور تضعیف روابط و مناسبات پاکستان با کشورما و همچنان بههدف تحریک فرآیندهای تجزیه طلبانه در داخل قلمرو پاکستان تعبیر گردید. پاکستان معتقد است که پیروزی "طالب"ها در کابل می تواند به تلاش های دهلی بمنظور وارد نمودن هرچه بیشتر خساره و زیان به کشور همجوارش خاتمه بخشد. اما اظهارنظرهایی نیز مطرح می گردد دال براینکه در صورت کنارگذاشتن ملاحظات ژئوپولیتیکی، اهداف دهلی و اسلام آباد در رابطه به کشور عزیزما افغانستان باهم منطبق می باشد. چه، هر دو کشور یادشده علاقمندند تا درگیری های مسلحانه باردیگر در محدوده افغانستان شعله ورنگردیده و همچنان طرفداری شان را از استقرار و تحکیم حاکمیت سیاسی در کشورما ابراز داشته اند. دهلی و اسلام آباد به کشورما بگونه دهلیز ارتباطی با کشورهای جنوب آسیا و آسیای مرکزی نیاز داشته و استفاده از چنین مسیر را برای خویش ضرورت حیاتی محسوب می نمایند. همچنان هر دو کشور یاد شده اصلن انتظار دارند که سرزمین و اراضی متعلق با افغانستان نباید به محل و مکانی بمنظور طرح و انجام اقدامات تروریستی علیه هند و پاکستان مبدل گردد. چنین فهرستی از منافع، بگونه کلی و بصورت همزمان میان هر دو کشور پیشرو و مقتدر در قاره آسیا میتواند همچنان ادامه یابد. نباید فراموش گردد که یافتن مخرج مشترک در مجموعه مناسبات و روابط افغانستان، هند و پاکستان، آنقدرها هم ساده و بسیط نمی باشد. بویژه کارهای دشواری در قبال هند عملن موجود می باشد. بایست متذکر گردید که هند در قبال بحران کنونی کشورما بمقایسه با سایر بازیکنان منطقوی، از آمادگی های کمتری برخوردار می باشد، چه هند در مورد جستجوی راهای بدیل در سیاست خارجی اش، بویژه در امر دستیابی به عادی سازی روابط و مناسبات با کشور همجوارش (پاکستان) می باشد. بگونه مثال، اگر دهلی و اسلام آباد در مورد قضایای مربوط بکشورما به توافق و نفا همی نایل گردند، بر بنیاد آن قادر خواهند بود در کنار مسایل یادشده، در مورد قضایای موجود دیگر، از جمله در مورد معضلات تاریخی ارضی نیز به موفقیت هایی نایل گردند.

حل و فصل قضایای مربوط به کشورما، همچنان می تواند از نقطه نظر آنهایی که به کشورما با سوژن نگاه می نمایند، برای آنها نیز توانبخشی سیاسی را به همراه داشته باشد. اسلام هرآسی آشکار یا پنهان، همچنان در دنیای مدرن بمفهوم وسیع کلمه و در محدوده اور آسیا بمفهوم محدود کلمه گسترش قابل ملاحظه ای حاصل نموده است.

هر کشوری که در حیات سیاسی آن، اسلام نقش فعالی داشته باشد، اغلبین در شمار کشورهای "اسلامیست" قرار می گیرد. سایر قدرت های نوظهور، بویژه در آسیا، بنحوی از انحاء با مسأله چگونگی روابط با اسلام سیاسی مواجه می باشند. این درحادثترین شکل خویش در هند معاصر وجود دارد که بسیاری ها آنرا بمثابة عامل افزایش اسلام هرآسی آنها در متن پیروزی "طالب"ها در کشورما می پندارند.

اما بسیاری ها بگونه سنتی بعوض جنبش های اسلامی میانه رو، رژیم های سکولار اقتدارگرا را ترجیح می دهند (البته در برخی موارد، استثنأهایی از این قاعده کلی، بگونه نمونه علیه حماس موجود می باشد). در عین حال، ارزیابی واقعی سکولاریزم رژیم های "غیر مذهبی" و نیز "بنیادگرایی" جنبش های اسلامی (همانطور که تجربه موقعیت و چگونگی درگیری ها در سوریه، لیبیا و سایر کشورها نشان می دهد)، گاهی هم دشوار بنظر می رسد.

بهر حال، بسیاری از اسلام شناسان چنین ادعأ می نمایند که اسلام سیاسی را نمی توان مظهر خروج از باستان گرایی به دنیای سکولاریزه مدرن پنداشت. عده دیگر نیز محاسبه می نمایند که تعداد رژیم های اسلامگرا در جهان روبافزایش می باشد نه رو بکاهش. آنها ادامه داده می افزاینند که حاکمیت های اسلامی در سده روان به گسترده ترین رژیم ها در جهان مبدل خواهد گردید، بگفته آنها، دین اسلام از نقطه نظر محبوبیت از مسیحیت پیشی گرفته است و در چنین وضعیتی، همه ی بشریت عمدتن در جهان اسلام زندگی خواهند نمود، باید از قبل برای این امر آماده باشیم.

یکشنبه ۲۱ ماه حمل سال ۱۴۰۱ خورشیدی